

انحرافات اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری (ره)

حفیظ‌الله فولادی*

چکیده

بررسی خاستگاه انحرافات اجتماعی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان علوم مختلف بوده و نظریه‌های متفاوتی در مورد نقش و تأثیرگذاری شرایط زیستی، روانی و اجتماعی افراد ارائه شده است. شهید مطهری با تکیه بر اندیشه اسلامی، در عین اینکه تأثیر هیچ یک از عوامل فوق را نادیده نمی‌گیرند، ولی خود فرد را با داشتن آگاهی، اراده و اختیار و مسئول بودن در برابر افعال خود و نیز توان بر خویشتن‌داری در ارتکاب هر عملی، مورد توجه قرار می‌دهند و بر دو عامل اساسی رواج اندیشه‌های انحرافی و نیز رونق نفاق و دورویی در دوران معاصر بر زمینه‌سازی برای ارتکاب رفتارهای انحرافی تأکید می‌کنند. دیدگاه ایشان با دیدگاه کلاسیک‌ها و نظریه‌گزینش عاقلانه رفتار انحرافی قرابت دارد.

واژه‌های کلیدی: مطهری، انحرافات اجتماعی، انحرافات فکری، نفاق

طرح مسئله

روابط اجتماعی انسان‌ها بر اصولی مبتنی است که در پرتوی آن اهداف اجتماعی تحقق می‌یابد؛ این امر در گروهی وجود هم‌نوایی و حاکمیت نظم در تعامل‌های افراد جامعه است. شالوده‌ی هم‌نوایی و نظم، در پیروی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی پایه‌ریزی می‌گردد. به همین منظور، فرایند جامعه‌پذیری با نقش‌آفرینی عوامل متعددی در طول دوران زندگی انسان‌ها نسبت به آموزش و عملی ساختن هنجارها جریان دارد. انتظاراتی که در جامعه از صاحبان نقش‌های گوناگون وجود دارد، با جامعه‌پذیری افراد برآورده می‌گردد. چنانچه فرایند مذکور در دسترسی به اهداف و تحقق وظایف موفق نباشد، روابط اجتماعی با تخطی از هنجارها و در نتیجه بروز انواع ناهنجاری‌ها مواجه خواهد شد. اغلب افراد جامعه نسبت به فراگیری و به کار بستن چارچوبه‌ی مذکور، هم‌نوایی نشان داده، در زندگی جمعی خود را ملتمز به رعایت نظم اجتماعی می‌دانند. با این وصف، همواره در جامعه افراد و گروه‌هایی مطابق انتظاراتی که از آنان هست، عمل نمی‌کنند و تخلف از هنجارها و ارتکاب رفتارهای مجرمانه در سطح جامعه مشاهده می‌گردد. از طرفی دیگر، به لحاظ اینکه سرنوشت افراد جامعه به یکدیگر وابستگی داشته، صلاح و فساد اجتماع در رفتار اعضای آن تأثیرگذار است، یکی از ضرورت‌های زندگی جمعی، شناسایی عوامل فساد و انحراف و کنترل و مقابله با آنها در جلوگیری از سوق دادن جامعه به سمت کژی‌ها و کارکردهای سوء است. برای شناسایی این عوامل از دیرباز تلاش‌های فراوانی انجام شده است.

شهید مطهری از بزرگ‌ترین اندیشمندان دوران معاصر است که به تصریح خود وی، انگیزه‌ی اصلی که در آثار متعدد علمی ایشان، حتی در حوزه‌های مغایر هم وجود داشته است، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالات حوزه‌ی اجتماعی بوده است؛ با این وصف باید دید شهید مطهری انحرافات اجتماعی جامعه خویش را چگونه بررسی کرده است. در آثار ایشان گزاره‌های قابل توجهی در مورد رفتارهای انحراف‌آمیز و خلاف هنجارهای اجتماعی و دینی وجود دارند که قابل بررسی و مطالعه است. البته شایان ذکر است که چون ایشان در مقام ارائه یک نظریه علمی منسجم در باره انحرافات اجتماعی نبوده، گزاره‌های یادشده به صورت پراکنده مطرح

شده‌اند، تلاش برای استخراج و سامان‌دهی آنها جهت ارائه یک نظریه قابل اعتنا از منظر دینی مفید می‌باشد.

سؤال اصلی تحقیق

با توجه به مطالب فوق، سؤال اصلی این تحقیق آن است که شهید مطهری انحرافات اجتماعی را چگونه بررسی و مطالعه کرده است؟
سؤال فرعی تحقیق این است که از نظر ایشان چه عامل یا عواملی خاستگاه انحرافات اجتماعی هستند؟

پیشینه تحقیق

اشاره شد که از دیرباز تلاش‌های فراوانی در موضوع تحقیق انجام شده است؛ صاحب‌نظرانی از حوزه‌های متعدد زیست‌شناسی، ژنتیک، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و مردم‌شناسی، در مورد کجروی و رفتارهای انحرافی مطالعه و بررسی کرده، نظریه داده‌اند. به نظر می‌رسد، هر یک از این بررسی‌ها علی‌رغم تفاوت سطح اعتبار و کارایی‌شان، از یک منشأ مشترک در تحلیل انسان برخوردارند (سلیمی و داودی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷)؛ به این معنی که اغلب آنها انسان را موجودی صرفاً مادی انگاشته و با همین انگاره به بررسی رفتار وی پرداخته‌اند. به همین جهت بررسی در حوزه‌های یادشده، نگرش مادی نسبت به انسان دارد و کمتر به فراتر از آن پرداخته است. بررسی نظریه‌ها و نیز عللی که به عنوان خاستگاه رفتارهای انحرافی ذکر شده‌اند، گواه این مدعاست.

با بررسی انبوه آثار شهید مطهری به دست می‌آید که ایشان اثر مستقلی در این موضوع ندارند؛ همچنین با جستجو در تحقیقات فراوان انجام گرفته در اندیشه‌های ایشان، نگارنده به مطلبی با عنوان یادشده دست نیافت. بنا بر این سعی می‌شود تا با تنظیم گزاره‌های مربوط به موضوع تحقیق در اندیشه شهید مطهری، به استخراج نظریه ایشان که بر انسان‌شناسی اسلامی مبتنی است، دست یابیم. با این بیان روشن می‌شود که تفاوت این تحقیق با عمده تحقیقات پیشین در نوع نگاه به انسان و چند و چون مطالعه او در موضوع رفتارهای انحرافی است.

چارچوب نظری تحقیق

در بررسی منابع مربوط به تبیین رفتارهای انحرافی، ادبیات غنی و نظریه‌های متعددی وجود دارد که در سطح‌های گوناگون فردی، موقعیتی، اجتماعی و ساختاری به بیان نظر و تبیین خاستگاه رفتارهای خلاف قواعد اجتماعی پرداخته‌اند.

در برخی از این نظریه‌ها، علت انتخاب فرد، ویژگی‌های جسمانی و یا روانی است و در برخی دیگر اوضاع و احوال و موقعیتی که شخص در آن قرار گرفته، علت انتخاب است و در موارد دیگر بررسی رفتار و توجه به نوع ارتباط میان طبقات و گروه‌های اجتماعی و مقایسه میان آنها علت‌گزینش است (همان، ص ۲۷۲-۳۸۷). به نظر می‌رسد که از میان آن همه، بررسی‌های گزینشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا علاوه بر اینکه ابعاد تحلیلی این تبیین‌ها در دیگر حوزه‌ها مشهود است، مفهوم «گزینش و انتخاب آگاهانه» در بررسی‌های محاکم قضائی نیز مورد تأکید است و این نشان از گستره توجه تبیین‌های گزینشی به علل مختلف کجروی است که در تبیین‌های زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه مورد توجه است (همان، ص ۲۷۳-۲۷۴) و تا حدودی نوع تحلیل آنها با آنچه در نگرش دینی لحاظ شده، نزدیکی دارد.

در دیدگاه شهید مطهری که برخاسته از نگرش مکتب اسلام است، علاوه بر لحاظ مسئله اراده و اختیار و نیز مسئولیت انسان در برابر رفتارهای ارادی، بر عنصر تربیت وی مبتنی بر هنجارهای اجتماعی و دینی و لزوم رعایت آنها در ارتباطات اجتماعی، و نیز پالایش محیط اجتماعی از انواع آلودگی‌ها و کژی‌ها تأکید فراوان شده است و از این رو، به نظر می‌رسد که این دیدگاه تا حدودی از اشکالات موجود در نظریه‌های دیگر به دور باشد؛ زیرا وقتی انسان عاقل بوده، با سلامت جسمی و روانی تربیت شد و جامعه نیز فاقد زمینه‌های سوق‌دهنده به سوی انحراف بود، در چنین بستری ارتکاب رفتار مجرمانه از انسان صاحب اراده و تعقل و آگاهی جز بر اساس انتخاب عاقلانه نمی‌تواند باشد و به همین جهت خود مسئول رفتارش بوده، سزاوار مؤاخذه نیز خواهد بود. روشن است که در این دیدگاه نقش عوامل محیطی و اجتماعی و نیز شرایط روحی و روانی و حتی ویژگی‌های جسمانی نادیده گرفته نشده است.

گفته شد که دیدگاه‌های شهید مطهری در باره‌ی انحرافات اجتماعی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی اوست. در اینجا پیش از بیان این اصول، شایان ذکر است که اسلام به عنوان دینی که بیش از هر چیزی به مسائل اجتماعی اهمیت می‌دهد، نسبت به سلامت رفتاری در جامعه و پالایش محیط روابط انسانی از انواع آلودگی‌ها و بی‌نظمی‌ها توجهی ویژه دارد. حضرت علی(ع)، پس از سفارش به تقوی و لزوم ترس از خداوند - که نقش مهمی در اصلاح فرد و جامعه دارند و سخن از آنها موضوع این مقاله نیست - به نظم در امور و اصلاح فیما بین توصیه می‌کند.^۱ همچنین دستوراتی در قرآن کریم مبنی بر حرمت غیبت^۲ و نهی از بدگمانی^۳ و سخن‌چینی و اتصاف به آن^۴ وجود دارد، همچنین مواردی که مصادیق رفتارهای اجتماعی ناپسند را معرفی می‌کنند و نیز تأکیدی که در مورد ضرورت اصلاح میان مردم^۵ و حل اختلافات آنان^۶ وجود دارند، همگی ناظر بر جدیت دین اسلام در تشویق انسان‌ها به ایجاد روابط سالم و به دور از کشمکش‌ها و درگیری‌ها و در نتیجه پرهیز از رفتارهای ناپسند و انحرافی است. روشن است که این اهتمام و دستورات مبتنی بر آن، در صحنه تحقق اجتماعی بر حسب میزان اعتقاد به آنها سلسله مراتب متفاوتی دارد. در جامعه انسانی فراوانند کسانی که اساساً ایمان به دین و دستورات آن نداشته باشند و دارندگان ایمان نیز در درجات گوناگونی قرار گیرند. نمود این تفاوت‌ها، در رفتار و کردار انسان‌ها نمایان می‌گردد. پیش از مطالعه در باره رفتار انسان، شایسته است خود او به عنوان کنشگری فعال از منظر دینی بهتر شناخته شود. در بخش بعد این مهم به اجمال آمده است.

اصول انسان‌شناسی اسلامی

اصول اساسی انسان‌شناسی اسلامی را می‌توان به اختصار در موارد زیر ترسیم کرد:

الف. انسان موجودی آگاه است؛ به این معنی که جوهر ذات انسان «آگاهی» است.^۷ بر همین اساس علم و دانایی به عنوان معیاری در تفاوت‌گذاری میان انسان‌ها

۱. ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۴۷،

۳. ر.ک: همان، ۳/۱۵۴؛ ۶/۱۱۶ و نیز: ۲۸۰/۵۳

۲. ر.ک: قرآن کریم، ۱۲/۴۹ و نیز: ۱/۱۰۴.

۴. ر.ک: همان، ۵/۴۱ و نیز: ۱۱/۶۸.

۵. به عنوان نمونه، ر.ک: همان، ۲/۲۲۴؛ ۴/۱۴، ۱۲۸، ۱۲۹.

۶. ر.ک: همان، ۲/۱۱۳؛ ۳/۱۹ و نیز: ۱۵۷/۴

۷. ر.ک: همان، ۲/۳۱ و نیز: ۳۹/۹.

قلمداد شده است.^۱ امتیاز و برتری انسان‌های دانا تا به آن حد است که دانایی در قرآن معادل بصیرت و روشن‌بینی و نادانی هم معنای نابینایی ذکر شده است.^۲ اساساً بازخواست از تکالیف، به سبب وجود آگاهی و دانایی است و نسبت به انسان‌های جاهل شرایط به گونه‌ی دیگری است. از نظر شهید مطهری همین آگاهی ملاک انسانیت و منشأ تمدن و فرهنگ در جامعه انسانی است؛ زیرا آگاهی حیوانات از جهان اطراف خود به وسیله حواس ظاهری است و به همین لحاظ آگاهی آنها سطحی، جزئی، منطقه‌ای، مربوط به زمان حال و فاقد ارزش اخلاقی است؛ ولی قلمرو آگاهی انسان بسیار فراتر، گسترده‌تر و متعالی‌تر از حیوانات است (مطهری، ۱۰، ص ۲۱-۲۳)؛ بر این اساس انسان باید در پرداختن به امور زندگانی خود، از افق دید فراتری بنگرد و به بررسی‌های محدود بسنده نکند.

ب. انسان موجودی مرکب از جسم و روح است؛ یک جزء انسان از خاک است و جزء دیگرش از خدا و همین ترکیب است که به انسان قابلیت ویژه‌ای در مقایسه با موجودات دیگر می‌بخشد (قرآن کریم، ۹-۷/۳۲) و به همین جهت است که در وی دو دسته از خواست‌ها و تمایلات رخ می‌نماید؛ یکی خواست‌های مربوط به بعد خاکی و مادی‌اش و دیگری خواست‌های فرامادی و روحانی او.

ج. انسان موجودی مختار است؛ یعنی فعالیت‌های او مبتنی بر آگاهی و انتخاب است و به همین لحاظ است که انسان در افعالش به گزینش دست می‌زند. در قرآن کریم قدرت انتخابگری انسان تصریح شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد [و پذیرا گردد] یا ناسپاس» (همان، ۳/۷۶). بدیهی است که شاکر بودن و یا ناسپاس بودن، هر کدام، معلول نوعی تعقل در آفاق و انفس و پس از آن به نتیجه‌ای خاص رسیدن و سپس بر اساس آنچه گزینش شده، عمل نمودن است.

د. انسان موجودی مسئول است؛ انسان با عنایت به اصول سه‌گانه آگاهی، ترکیبی از جسم و روح بودن و نیز قدرت انتخاب و اختیار داشتن، موجودی مسئول نیز شناخته می‌گردد (همان، ۳۶/۱۷). این امر، دامنه ورود به یک رفتار و نیز وضعیت روحی انسان

۱. ر.ک: همان، ۳۹/۹.

۲. ر.ک: همان، ۱۹/۳۵.

را در ارتکاب هرگونه عملی تحت الشعاع قرار می‌دهد و او خود را ملزم به پاسخگویی در برابر اعمال خود احساس خواهد کرد.

باید توجه داشت که وقتی انسان مسئول شد، در درجه اول مسئول رفتار خودش است و تأکید قرآن کریم بر این موضوع قابل توجه است؛ آنجا که پس از سوگندهای متوالی می‌فرماید رستگار شد آن کسی که جان خود را پاکیزه کرد و بدبخت و ذلیل شد آن کسی که جان خود را از آلودگی حفظ نکرد (همان، ۱۰-۷/۹۱)؛ پس در یک چنین وضعیتی است که کنترل بر رفتار و محاسبه‌گری از کارهای ارادی توسط خود انسان کنشگر تشدید خواهد شد.

بر اصول و ویژگی‌های چهارگانه فوق که در اغلب کتاب‌های انسان‌شناسی اسلامی آمده است، می‌توان اصول دیگری را نیز افزود؛ از جمله اینکه:

ه. انسان موجودی است که همواره در معرض گمراهی و زیان قرار دارد

(همان، ۲/۱۰۳)؛ قرآن کریم در جای جای آیتش خطر شیطان و لزوم دوری جویی انسان‌ها از وسوسه‌های او را گوشزد کرده، سوگند شیطان برای به گمراهی کشانیدن انسان را یادآوری کرده است؛ شاید بتوان به این مطلب به عنوان یکی از مسائل اساسی در تحلیل رفتار فردی و جمعی انسان‌ها از منظر دینی توجه نمود.

البته باید دقت داشت که بر اساس تعالیم آسمانی و الهی، شیطان دارای وجودی حقیقی و مستقل از انسان است که از طریق آراستن کارهای زشت برای انسان، دادن وعده‌های دروغین و غیره عمل می‌کند و نتیجه وسوسه‌های شیطان به گونه‌ای است که فرد با فریفته‌گری او، عملی بر خلاف هنجارها، به خصوص هنجارهای دینی و الهی انجام می‌دهد.^۱

۱. در اینجا ذکر نکته‌ای شایان توجه است و آن اینکه برای کسانی که اهمیت زیادی برای دانش تجربی قائل هستند، ورود در عرصه بحث از امور غیر مادی و به خصوص بحثی با عنوان «شیطان»، هم غیرعلمی و هم آزاردهنده است. غیرعلمی است، زیرا وقتی سخن از چیزی پیش می‌آید که قابل اثبات تجربی نیست و با اصول علوم تجربی ناسازگار است، ورود به آن غیر قابل پذیرش می‌نماید. آزاردهنده است، زیرا بحث از شیطان، یادآور نوع اعمالی است که در دوران قرون وسطی توسط حاکمان کلیسا در جوامع اروپایی برای مبارزه با ناقضان اعمال دینی به کار بسته می‌شد؛ زیرا اعتقاد بر این بود که این نابهنجاران به تسخیر جادوگران یا شیطان درآمده‌اند و برای رهایی از این وضعیت، دستور سوزاندن آنان صادر می‌شد و با این شیوه به گونه‌ای به مقابله با شیطان و تبعیت‌کنندگان از آن می‌پرداختند. (در این زمینه، ر.ک. *criminology*, p.7) در حالی که اساساً بحث از شیطان منطبق با انسان‌شناسی اسلامی و نگاه دین اسلام، متفاوت با نگرش و شیوه برخوردی است که در دوران قرون وسطی وجود داشته است.

و. یکی از ویژگی‌های اساسی و مختص انسان، نیروی تسلط بر نفس و قیام علیه خلافکاری‌های خود است، وگرنه وی از انسانیت فقط واجد ویژگی‌های ظاهری خواهد بود و این اصلی اساسی است که در بررسی‌های مادی‌گرایان درباره انسان مورد غفلت واقع شده است (مطهری، ۸، ص ۵۴).

همان‌طور که بیان شد، عنایت دین اسلام به مسائل اجتماعی و رعایت مصالح عمومی جامعه انسانی بر امور دیگر غلبه دارد و بر همین سیاق در تعارض میان مصالح فرد با مصالح اجتماع، تقدم با جامعه و رعایت مصالح عمومی است (همان، ۱۴، ص ۲۹۰). شاید بتوان جایگاه فوق‌العاده تکلیفی و اهمیت مسئله «امر به معروف و نهی از منکر» را ناظر به همین ترجیح دانست؛^۱ زیرا یکی از کارکردهای اجتماعی دستور دینی امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه و هدایت آن به سوی بایسته‌های رفتاری و پای‌بندی افراد جامعه به هنجارهای اجتماعی منطبق با ارزش‌های آن است. با توجه به اصول انسان‌شناسی اسلامی، روشن است که مطالعه رفتار انسان و بررسی خاستگاه اعمال او، در ملاحظه و تحلیل یک سلسله امور مادی و ظاهری مربوط به رفتار انسان منحصر نبوده، بلکه عوامل دیگری نظیر میزان علم و آگاهی، اراده و انتخاب که خود متأثر از شرایط متعددی است، باور به پذیرش مسئولیت فردی رفتار خود، ایمان به این امر که همیشه در معرض فریب‌ها و وسوسه‌های شیطانی قرار دارد و نیز توجه به این نکته که در درون خود دارای نیرویی است که می‌تواند علیه بسیاری از خواسته‌های خویش، در هر شرایطی ایستادگی کند و تحت تأثیر وسوسه‌های درونی قرار نگیرد، نقش آفرین خواهد بود.

به همین جهت، مطالعه رفتار اجتماعی انسان از منظر شهید مطهری، تا حدود زیادی متفاوت از مطالعاتی خواهد بود که انسان را صرفاً از جنبه مادی و اکاوی می‌کنند. ناگفته پیداست که در این بررسی، بی‌توجهی به مسائل مادی و محیطی و نقش و تأثیر آنها مد نظر نیست؛ بلکه علاوه بر آنها امور دیگری نیز مورد توجه است.

در مورد سؤال اصلی این تحقیق که شهید مطهری انحرافات اجتماعی را چگونه بررسی و مطالعه کرده است، باید گفت که ایشان انحرافات اجتماعی را عمدتاً در

۱. در این زمینه، ر.ک: مطهری، آزادی معنوی، ص ۱۲۴.

سطحی کلی و غیر مصداقی بررسی کرده‌اند و از ورود به موارد جزئی و مصداقی که در رفتارهای افراد جامعه خویش قابل مشاهده بوده، خودداری کرده‌اند و حتی کسانی را که به امور جزئی پرداخته‌اند نکوهش نموده‌اند (همان، ۱۲، ص ۲۳۹). دغدغه‌ی شهید مطهری در بررسی و مطالعه انحرافات اجتماعی این است که در ابتدا باید رفتار درست و نادرست و به تعبیر ایشان، معروف و منکر را بدانیم که چیست و بعد در پی تحلیل آن باشیم. ایشان در این باره می‌گویند:

تا حالا که امر به معروف و نهی از منکرهای ما در اطراف دگمه لباس و بند کفش مردم بوده است، در حول و حوش موی سر و دوخت لباس مردم بوده است! ما اصلاً معروف چه می‌شناسیم که چیست؟ منکر چه می‌شناسیم که چیست؟ ما گاهی معروف‌ها را به جای منکر می‌گیریم و منکرها را به جای معروف (همان، ص ۲۳۹-۲۴۰).

اما اینکه شهید مطهری چه عامل و یا عواملی را به عنوان خاستگاه انحرافات اجتماعی قلمداد کرده‌اند، با جستجو در آثار ایشان به نظر می‌رسد که از میان انبوه عوامل فردی، محیط اجتماعی و ساختاری، دو دسته از عوامل در نگاه ایشان عمده و اساسی است که اینها به نوبه خود باعث انواع کج‌رفتاری‌ها و انحرافات دیگر می‌گردند:

۱. ایشان **انحرافات فکری و اندیشه‌ای** را در بخش‌های مختلف، مهم‌تر و تأثیرگذارتر از موارد دیگر تلقی کرده، اهتمام خود را در پاسخگویی به مصادیق آن به نحو کلی می‌دانستند؛ مصادیقی که نتایج عملی مترتب بر بی‌توجهی به آنها را موجب رواج انواع رفتارهای انحرافی در رفتار و کردار اعضای جامعه، به خصوص نسل جوان قلمداد کرده‌اند و معتقدند افکار و عقاید نادرست، در عمل افراد را به انحرافات دینی و اجتماعی می‌کشاند (همان، ۱۳، ص ۲۱۰).^۱ شهید مطهری با استناد به کلام پیامبر گرامی اسلام (ص) که می‌فرماید من از فقر و نداشتن ثروت بر امتم نگران نیستم، آن چیزی که از آن نگران هستم فقر فکری و اندیشه‌ای است (همان، ۴، ص ۱۳۵)، اهمیت این دسته از عوامل را گوشزد می‌کنند. در همین راستا، می‌توان دغدغه‌ی ایشان را در مقدمه کتاب *عدل الهی* ملاحظه کرد؛ آنجا که می‌نویسند:

۱. «امروزه علی‌رغم دست‌یابی بشر به علم و تمدن و ایجاد تغییرات وسیع در محیط اطراف خود، بر این مبنا جهل و نادانی توده انسان‌ها در تشخیص سره از ناسره مشکلات عدیده‌ای را رقم می‌زند و این قابلیت را داراست تا ملتی را از پا در آورد و به انحراف عظیمی سوق دهد».

این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام تنها چیزی که در همه‌ی نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است. نوشته‌های این بنده برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با اینکه موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است، حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم واژگونه شده است و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود، این دین مقدس در حال حاضر بیش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی‌اش از یک طرف، و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر، سبب شده که از اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف، از اصول گرفته تا فروع، مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میدان انجام وظیفه نماید (همان، ۱۳۶۱، ص ۹۸).

ایشان در ادامه می‌نویسند:

این بنده هرگز مدعی نیست که موضوعاتی که خودش انتخاب کرده و درباره آنها قلم‌فرسایی کرده است، لازم‌ترین موضوعات بوده است. تنها چیزی که ادعا دارد، این است که به حسب تشخیص خودش از این اصل تجاوز نکرده که تا حدی که برایش مقدور است در مسائل اسلامی «عقدہ‌گشایی» کند و حتی‌الامکان حقایق اسلامی را آن چنان که هست ارائه دهد، فرضاً نمی‌تواند جلو انحرافات عملی را بگیرد حتی‌الامکان با **انحرافات فکری** مبارزه نماید (همان، ص ۱۰).

از این بیان اخیر به دست می‌آید که ارائه مطالبی که در جامعه، اندیشه‌های انسان‌ها را هدف قرار دهد، در سمت و سو دادن به رفتار و کردار آنان تأثیر مستقیم خواهد داشت؛ زیرا رفتار افراد بازتابی از افکار و اندیشه‌ها و متأثر از آنهاست. در اینجا مواردی به عنوان نمونه ذکر می‌شود که به تشخیص شهید مطهری نتیجه آنها می‌تواند در بسترسازی ارتکاب انحرافات بزرگ در رفتار طبقات گوناگون اجتماعی

مؤثر باشد و از این منظر ایشان در مواردی به اتمام حجت می‌پردازد که خطر این گونه عوامل را باید بسیار جدی تلقی کرد.

الف. شهید مطهری در مقدمه کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* به تشریح چگونگی تدوین و انتشار سلسله مقالاتی در مجله *زن روز* سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ می‌پردازد و توضیحاتی در این باره می‌دهند که چه مسائلی باعث شد تا ایشان آن مجله را برای چاپ مقالات خود برگزینند. ایشان می‌گویند:

چون تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانوادگی، در سطح مجلات، خصوصاً مجلات زنانه، بالا گرفت و نظر به اینکه بسیاری از پیشنهادهایی که می‌شد برضد نصوص مسلم قرآن بود، طبعاً ناراحتی‌هایی در میان مسلمانان ایران به وجود آورد (همان، ۱۵، ص ۲۶).

ایشان سپس مطرح می‌کنند که با مذاکراتی که انجام شد مقرر گردید تا طی سلسله مقالاتی به تشریح دیدگاه اسلام در باره حقوق زن پردازند تا در کنار مقالات مربوط به تعویض قوانین مدنی، در معرض دید افکار عمومی قرار گیرد و در واقع، با این رویه ایشان طی مقالاتی به بیان دیدگاه اسلام در باره حقوق زن می‌پردازد و به نوعی از انحرافات فکری در این عرصه جلوگیری می‌کنند.

باید دقت داشت که با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن دوران و نوع تبلیغات و مطالبی که در مجلاتی با سبک و سیاق مجله *زن روز* وجود داشته، از میان همه آنها آنچه برای شهید مطهری اولویت داشته، به مثابه اساس رویکرد انحرافی قلمداد می‌گردیده که انحرافات عمده دیگر نشأت گرفته از آن می‌توانسته باشد، انحراف از فهم درست اندیشه اسلامی در جامعه معتقد به تعالیم اسلام در حوزه‌ی زن و حقوق اجتماعی او بوده است و شهید مطهری به این مهم آن گونه می‌نگرند که حاضر می‌شوند برای پالایش افکار اجتماعی و جلوگیری از رواج آن عامل به درج دیدگاه‌های اسلامی در آن مجله رو آورند.

ب. در کتاب *علل گرایش به مادیگری*، ایشان با بیان معنای ماتریالیسم و سابقه تاریخی آن و بیان اینکه در دوره‌ی اولیه اسلامی کسانی با عنوان «دهری» منکر خداوند می‌شدند، مطلب را بررسی می‌کنند. شهید مطهری در تجدید چاپ هشتم کتاب، مقدمه‌ای را بر آن می‌افزایند که به وضعیت ماتریالیسم در عصر جدید، به خصوص در

ایران می‌پردازد که با دوری از شیوه منطقی، به سلاح تبلیغ خود را مجهز کرده است و در این راه «ابایی ندارد که علل گرایش‌ها و اعراض‌ها از مادیگری را به گونه‌ای دیگر که با هدف‌های از پیش تعیین شده سیاسی و اجتماعی منطبق باشد، توجیه و تفسیر نماید» (همان، ۹، ص ۸). ایشان با اذعان به اینکه پس از مطالعه و تعمق در کتاب‌های مادی‌گرایان و نحوه طرح مسائل در آثار آنان به این باور رسیدند که به خاطر ضعف منطقی‌شان در مواجهه با الهیون به حربه تحریف شخصیت‌ها و نیز تفسیر به رأی آیات قرآن روی آورده‌اند، هشدار جدی می‌دهند و آنان را به صداقت و شفافیت در اعلام مواضع فرا می‌خوانند، همان هشدار است که البته نتیجه آن برخورد فیزیکی و ترور ناجوانمردانه آن شخصیت والا مقام علمی و دینی می‌شود.

ج. شهید مطهری در کتاب بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر آنجا که به بحث از آفات نهضت‌های اجتماعی می‌پردازند، اولین آفت را نفوذ اندیشه‌های بیگانه برمی‌شمارند که دشمنان برای رخنه کردن در مکتب و تهی کردن آن از درون، و برای کاستن از اثر و خاصیت آن نهضت، اندیشه‌های بیگانه را وارد می‌سازند و نمونه چنین رویکردی را در قرون اولیه اسلام ذکر می‌کنند که پس از گسترش دین اسلام، مخالفان با حربه تحریف به ورود اندیشه‌های انحرافی در حوزه‌های مختلف علمی و اندیشه‌ای پرداختند.

از منظر شهید مطهری، نفوذ این خطر فقط از طریق دشمنان نبوده، بلکه دوستان و پیروان یک نهضت اجتماعی نیز به علت عدم آشنایی درست با ایده‌های مکتب خویش و با جذب اندیشه‌های بیگانه و عرضه آنها به عنوان ایده‌های قابل پذیرش، به ترویج آنها پرداخته و نتیجه‌اش را آفت‌زدگی حرکت اجتماعی و انحراف از مسیر می‌دانند (همان، ۳، ص ۸۸۷).

شهید مطهری هشدار می‌دهند که:

من به عنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی، ... هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آن که از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند (همان، ص ۸۹).

۲. ایشان روابط اجتماعی انسان‌های به ظاهر متمدن دوران معاصر را برای دست‌یابی به منفعت و لذت بیشتر، ناشی از **نفاق و دورویی** می‌دانند که موجب رواج انواع کشمکش‌ها و پلیدی‌ها در جوامع شده است. بر این مبنای شهید مطهری در موارد متعددی خاطر نشان می‌سازند که بر خلاف انسان‌های گذشته که رفتارهای هنجارشکنانه را به صورت صریح مرتکب می‌شدند و ابایی هم از انواع تجاوزها و حق‌کشی‌ها نداشتند، امروزه علی‌رغم دست‌یابی بشر به علم و تمدن و ایجاد تغییرات وسیع در محیط اطراف خود، با شعار آزادی و صلح، انواع ظلم‌ها و رفتارهای ناروا را رقم می‌زند و «این امر مثال‌های بسیاری دارد به طوری که دنیای ما را باید گفت دنیای نفاق»؛^۱ زیرا روحیه منفعت‌جویی و کسب لذت، انسان معاصر را اسیر غرایز خود کرده است و در این اسارت به گونه‌ای در آمده که نتوانسته در تفکر و عواطف خود تغییری ایجاد نماید و مشکلات عدیده دیگری برای او پیدا شده است.

انسان وقتی کارش به دورویی و نفاق کشیده شد، ایمان و معنویت و تقوی از اندیشه و عمل او رخت برمی‌بندد، یعنی چیزی را از دست می‌دهد که همواره سخت به آن نیازمند است (همان، ۱۱، ص ۲۶-۲۷).

علاوه بر موارد فوق در آثار شهید مطهری عوامل دیگری نیز به عنوان خاستگاه رفتارهای انحرافی ذکر شده است که برای رعایت اختصار با توضیح مختصر در مورد هر یک، آنها را ذکر می‌کنیم:

- ایشان بحران معنویت در دوران معاصر را سهمگین‌ترین بحرانی می‌دانند که موجب بروز انواع رفتارهای انحرافی شده است. و در این زمینه می‌گویند:

بزرگ‌ترین بحرانی که الان بر جامعه بشریت خصوصاً بر جامعه‌های به اصطلاح پیشرفته و صنعتی حکومت می‌کند، بحران معنوی است ... بعضی از بحران‌هایی که امروز حکومت می‌کند، خود بحران ماهیت معنوی ندارد، ولی ریشه‌اش امر معنوی است. یکی از مسائل مهم جهان امروز افزایش روزافزون خودکشی‌هاست ... ریشه خودکشی‌ها در کجاست؟ ... آمارها نشان می‌دهد که در کشورهایی که از نظر صنعت بیشتر پیشرفته‌اند و در رفاه مادی بیشتری

۱. ر.ک: مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۷، ص ۱۰۹، و نیز ر.ک: به پانزده گفتار، ص ۶۹، ۱۰۸-۱۰۹ و ۱۳۵ و آزادی معنوی، ص ۲۲-۲۳.

هستند، خودکشی بیشتر است. تحلیل‌ها می‌رساند که جز خلاً معنوی و عدم اشباع شدن روحی مسئله دیگری نیست (همان، ۷، ص ۲۲۹-۲۳۰).

بی‌تردید ضعف نیروی ایمان و کمبود معنویت و کم اثر شدن و یا بی اثر شدن دین در زندگی بشر، او را در ارتکاب بسیاری از رفتارهای مجرمانه بی‌محابا می‌سازد. شهید مطهری در این باره می‌گویند:

دائماً گفته می‌شود که مثلاً چرا طلاق رو به افزایش است؟ چرا قتل و جنایت و دزدی زیاد است؟ چرا غش و تقلب در اجناس عمومیت پیدا کرده؟ چرا فحشا زیاد شده و امثال اینها. بدون تردید ضعف نیروی ایمان و خرابی حصار تقوا را یک عامل مهم این مفاسد باید شمرد. سلامت تن و سلامت روح و سلامت اجتماع همگی بستگی به تقوی دارد (همان، ۶، ص ۳۶-۳۷).

ایشان در این باره می‌گویند که بشر با این همه پیشرفت و ترقی در علوم و فنون گوناگون که توانسته طبیعت را به تسخیر خود در آورد، در ناحیه اصلاح خلق و خوی انسانی و انسانیت قادر نیست قدمی بردارد (همان، ۱۴، ص ۴۵۹) و عمده دلیل این ناتوانی نیز این است که انسان‌های معاصر اکثراً بی‌ایمان هستند و در نبود ایمان کاری از علم و فن نیز ساخته نیست و به همین جهت است که پیشرفت‌های علمی در سایه غیبت ایمان و معنویت در خدمت جنایت و تجاوز به انسان‌های دیگر قرار می‌گیرد. همچنین ایشان می‌گویند که کم توجهی به آزادی معنوی که تأمین‌کننده خواسته‌های روحی و فطری انسان‌هاست، خود یکی از علت‌های نابسامانی‌های دنیای امروز است و اشتباه است کسی تصور کند با ایجاد آزادی‌های اجتماعی نیازی به آزادی معنوی نیست.^۱ به نظر می‌رسد که اساساً در دنیای مادی امروز، دعوت به معنویت موجب آرامش روحی و در نتیجه سلامت رفتاری نیز خواهد شد.

- ایشان نبود عدالت را در اجتماع موجب بروز انواع محرومیت‌ها و در نتیجه ایجاد عقده‌های روانی و هزاران بیماری می‌دانند (همان، ۵، ص ۱۷۳)؛ زیرا در حالت تبعیض و نابرابری افراد جامعه از دستیابی به فرصت‌های برابر محروم شده و محرومیت خود موجب به هم خوردن آرامش و طغیان و در نتیجه انواع ناراحتی‌های روانی و کشمکش‌های اجتماعی خواهد شد.

۱. ر.ک: مطهری، آزادی معنوی، ص ۲۷-۳۲ و نیز ر.ک: مجموعه آثار ۱۹، ص ۱۰۶؛ «اکثر بدبختی‌هایی که امروز گریبان‌گیر بشر شده از اینجاست که اخلاق و قانون یگانه پشتوانه خود را که دین است، از دست داده‌اند».

- شهید مطهری غرق شدن انسان امروز در ماده و مادیت و فراموشی خود و در نتیجه آن خدا فراموشی را از عوامل بدبختی و فرو افتادن در گرفتاری‌های بی‌شمار اخلاقی و رفتاری می‌دانند (ر.ک. مطهری، ۱۳، ص ۱۵۲).

- ایشان وجود غرایز گوناگون در نهاد بشر را از عوامل بروز کشمکش‌ها و تضادها با دیگر انسان‌ها و رواج انحرافات در جامعه می‌دانند و معتقدند چنانچه انسان دارای یک غریزه بود درگیری و نزاعی در اجتماع انسانی رخ نمی‌داد (همان، ۱۴، ص ۳۶۴).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مذکور در این مقاله نتیجه می‌گیریم که شهید مطهری در بررسی انحرافات اجتماعی در عین اینکه شرایط اجتماعی و محیطی را از نظر دور نمی‌دارند، عمده تمرکز را بر انسان و تصمیمات فردی او دارند. از بحث‌های ایشان این نکته قابل استخراج است که انسان با قطع نظر از اینکه چه پایگاهی در اجتماع داشته باشد، از این استعداد و توان برخوردار است که به عملی برخلاف هنجارهای اجتماعی دست زند و یا اینکه مطابق با رفتارهای پذیرفته‌شده اقدام نماید. طبق مبنای شهید مطهری که مبنای دین اسلام نیز همین است، انسان با استفاده از عقل و دانش و نیز تقویت ایمان در هر اوضاع و احوالی باید بتواند با اتکالی به اراده به رفتار درست و بهنجار دست زند. البته روشن است که در مبنای دینی رفتار یک انسان موحد لزوماً همراهی با هر هنجار اجتماعی نیست و این مقاله با توجه به این نکته، همراهی با هنجارهای اجتماعی و یا ارتکاب رفتار انحرافی را با فرض حاکمیت قواعد و دستورات دینی دنبال نمود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کجروی (ویراست دوم)، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. مطهری، مرتضی، (۱) آزادی معنوی، چاپ نوزدهم، انتشارات صدرا، مرداد ۱۳۷۸.
۵. _____، (۲) آشنایی با قرآن، چاپ دوم، انتشارات صدرا، آبان ۱۳۷۸.
۶. _____، (۳) بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ بیست و هفتم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.
۷. _____، (۴) پانزده گفتار، چاپ دوم، انتشارات صدرا، تیر ۱۳۸۱.
۸. _____، (۵) پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸.
۹. _____، (۶) ده گفتار، چاپ چهارم، انتشارات صدرا، پاییز ۱۳۶۷.
۱۰. _____، عدل الهی، چاپ سوم، انتشارات صدرا، پاییز ۱۳۶۷.
۱۱. _____، (۷) فلسفه اخلاق، چاپ ششم، انتشارات صدرا، اردیبهشت ۱۳۶۸.
۱۲. _____، (۸) قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمه شهید، چاپ نهم، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸.
۱۳. _____، (۹) علل گرایش به مادیگری به ضمیمه: ماتریالیسم در ایران، چاپ دهم، انتشارات صدرا، تابستان ۱۳۶۷.
۱۴. _____، (۱۰) مجموعه آثار ۲، چاپ اول، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۱۵. _____، (۱۱) مجموعه آثار ۱۶، چاپ سوم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
۱۶. _____، (۱۲) مجموعه آثار ۱۷، چاپ پنجم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۱۷. _____، (۱۳) مجموعه آثار ۱۹، چاپ دوم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.

۱۸. _____، (۱۴) مجموعه آثار ۲۱، چاپ اول، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۱۹. _____، (۱۵) نظام حقوق زن در اسلام، چاپ شانزدهم، انتشارات صدرا، آذر ۱۳۷۱.

20. Siegl larry j. (1998), *criminology*, wadsworth London.